

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نوشته از : نعیم سلیمی- کابل / افغانستان
۱۱ می ۲۰۱۹



کشف بزرگ لویه جرگه

در ماده سوم قطعنامه " لویه جرگه مشورتی صلح " که درین اواخر کار آن در کابل پایتخت افغانستان به پایان رسید چنین تأکید شده است که " : یکی از عوامل بزرگ جنگ در افغانستان برداشت ها و قرائت های متفاوت از دین مبین اسلام است . اعضای لویه جرگه مشورتی صلح به دولت ، تحریک طالبان و علمای دینی پیشنهاد می نمایند تا دیدگاه خویش را از قرائت اسلام واحد ساخته ، وسیله همسویی و وحدت ملی گردند " .

وقتی که من این سطور را می خواندم ، تصور نمودم که گئورگ ویلهلم فریدریش هگل فیلسوف ایدئالیست المانی اواخر قرن ۱۷ و اوایل قرن ۱۸ لکچر های فلسفی اش را در مورد عناصر فلسفه حقوقی " حق و باطل " برای شرکت کنندگان لویه جرگه بازخوانی و موعظه نموده باشد و تو گوئی که در فحواً درک آن لویه جرگه به یک بارگی فورمولبندی بزرگی را برای حل کشمکش های افغانستان کشف نموده که قبلاً کسی از آن خبر نداشته است و نامش را " توحید از قرائت اسلام برای دستیابی به همسوئی به وحدت ملی " ، گذاشتند .

آنچه را که " تیوری قرائت های متفاوت " به ما القاء می نماید این است که تراژیدی جنگ افغانستان را نباید در مداخلات و تجاوز گری های پنهان و آشکار توأم با جنگهای اعلان نشده و علنی امپریالزم جهانی ، حلقات و اقمار نیابتی منطقه ئی و داخلی آن جست و جو نمود ، مگر تفسیرها و تعبیر های متفاوت از دین اسلام ؛ در حالی که جنگ افغانستان که این قلم بارها آن را کنایتاً " جهاد امریکا در افغانستان " نامیده ام ، در ابتداء بنابر مداخلات و جنگ های اعلان نشده امپریالیستی و به طور مشخص تر از دو دهه بدین سو بنابر تجاوزات مستقیم نیرو های اهریمنی قدرت به منصفه اجراء گذاشته شده که انگیزه های آن را نه معتقدات مذهبی بلکه اهداف توسعه طلبی های استراتژیک اقتصادی و سیاسی تشکیل می دهد؛ تا جایی که به طالبان و دولت دست نشانده پوشالی افغانستان در

جنگ افغانستان مربوط می گردد باید یاد آور شوم که این هر دو در واقعیت ابزار های متفاوت نیابتی همان جهاد امپریالیستی در افغانستان بوده اند که هیچ کدام از آنها دارای اراده مستقل برای تأمین صلح در افغانستان نمی باشند . یک مطلب مهمی را که در همین راستا قابل یاد آوری است و اصلاً در رسانه های کشورحتا به ندرت بازتاب نمی یابد این است که تسلیح و تجهیز گروه های مسلح تروریستی در دل تاریکی شب ها در اطراف و اکناف افغانستان توسط هلیکوپتر های ناشناس نظامی می باشد که مردم محل ، قراء و قصبات کشور خود شاهد آن بوده اند که نیاز به تفصیل آن در اینجا دیده نمی شود ؛ فقط کافی است تا شما تماس های خود را در داخل کشور با مردم و ساکنان چنین محلات برقرار کنید تا به کرات زمزمه های عین حکایت را از زبان شاهدان عینی در محل ، ده ها بار بشنوید .

ماده بیست و سوم قطعنامه از یک اشکال دیگر تاریخی منطقی نیز برخوردار است ؛ به طور مثال در ۱۴۰۰ سال تاریخ اسلام اگر از دیگر جنگ ها و کشمکش های ذات الیبینی قدرت میان خلافت اموی ها و عباسی ها که بگذریم ، جنگ "جمل" را در سال ۳۶ هجری قمری که هنوز اسلام ناب محمدی در شبه جزیره عربستان حاکم بود و مسلمانان و اهل بیت پیامبر به جان هم افتادند ، چگونه می توان تعبیر نمود ؟

یکی از جالبی های عطف توجه فلسفی تیوری قرائت های متفاوت در آن نهفته است که مفاهیم و مقوله های جنگ کهنه و نو ، زشتی و زیبایی ، روشنایی و تاریکی ، روشنگری و جاهلیت و خیر و شر در حاشیه رانده می شوند و تطبیق عملی آن چنین افاده ای را اشاعه می نماید که گویا تراژیدی جنگ افغانستان هیچ کدام از گزینه های پیشین را در خود جا نداده ؛ بلکه این جنگ گویا برخورد دو " حق " و یا به عبارت دقیقتر آن همانا خود " حق " در برابر حق است که با تعابیر جداگانه ای جایش را به اباطیل رها می سازد .

البته که از لحاظ نظری و عملی برداشت های متفاوت از یک حقیقت کلی و اجماعی بسا اوقات در میان انسان ها اشکالات بزرگی را که بعضاً به تراژیدی های ناهنجاری نیز انجامیده ، به وجود می آورد ؛ ولی آنچه که برای ما از اهمیت بسزائی برخوردار است این که بیان و افاده این موضوع و برجسته ساختن آن به مثابه یکی از عوامل بزرگ جنگ افغانستان نه تنها کدام کشف بزرگ و یا بیانی از ناگفته های جنگ در کشور ما نیست ، بلکه هدف از آن منحرف نمودن افکار عامه مردم ما از ماهیت شکل گیری زمینه های تاریخی تجاوزات امپریالیستی در میهن ما و عدم درک حقایق و راز های پنهان پشت پرده این تجاوز نیز می باشد که نسل های جوان و بالنده وطن باید فریب آن را نخورند .

پایان

دیدگاه شما.....